

شلیک توپ ماه رمضان به روایت اسناد آرشیو ملی ایران

الهام ملکزاده^۱

چکیده: در دوران معاصر، شلیک توپ رمضان از بهترین روش‌های اطلاع دادن وقت سحر و افطار، کار سخت و پرهزینه‌ای بود. در دوره ناصری، هزینه‌ها توسط حاکمان ولایات و با پیروزی انقلاب مشروطه توسط وزات داخله تأمین می‌شد. در دوران نابسامان حکومت احمدشاه، این هزینه‌ها معضل وزارت خانه‌های داخله، مالیه و جنگ شد و هیچ‌یک هزینه‌های شلیک توپ را نمی‌پذیرفتند. در دوره رضاشاه، شلیک توپ و هزینه‌هایش ابتدا بر عهده ارکان حرب کل قشون و سپس از دی ۱۳۱۰ش. بر عهده وزارت داخله قرار گرفت و سامان یافت. به مرور این شیوه منسخ و از رمضان ۱۳۱۹ش. عملانجام نشد و از ۱۳۲۲ش. پخش اذان از رادیو ایران، جای شلیک توپ را گرفت. این مقاله با روش اسنادی-تحلیلی مبتنی بر داده‌های اسناد آرشیو ملی ایران، در پی پاسخ دادن به این سوالات است که اساساً شلیک توپ رمضان چه معنایی داشته، از چه زمانی مرسوم گردیده و دلیل منسخ شدن آن، چه بوده است؟ لذا روند اقدامات دولت در خصوص شلیک توپ ایام رمضان و تحولات منجر به تغییر روش آگاه کردن مردم، همچنین آسیب‌ها و مشکلات مربوط به این موضوع را شناسایی می‌کند و آنها را مورد تحلیل قرار می‌دهد. نتیجه اینکه بالا بودن هزینه‌های شلیک توپ و کمرنگ شدن مناسک دینی در خلال حکومت رضاشاه، موجب نادیده گرفتن این وظیفه از سوی دولت شد و اعلام وقت روزه‌داری به مؤمنان سپرده شد تا به شیوه سنتی عمل کنند. این روند تا سال ۱۳۲۲ که برای اولین بار اذان از رادیو پخش شد ادامه یافت.

واژه‌های کلیدی: شلیک توپ رمضان، ناصرالدین شاه، احمدشاه، رضاشاه، رادیو، سحری،

افطار

elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir

۱ عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۰۷ تاریخ تأیید: ۹۶/۰۹/۰۷

Ramadan Cannon-Firing Tradition Documented by Iranian National Archives

Elham Malekzadeh¹

Abstract: In the contemporary era, Ramadan cannon-firing tradition was one of the most difficult and costly methods to make people aware of dawn and Iftar time. In Naseri Era, the costs were borne by the rulers of the provinces, and during the Constitutional Revolution by the interior ministry. In the catastrophic period of Ahmad Shah's ruling, such costs were a major problem for the interior, finance and the war ministries, none of which was willing to undertake such costs. During Reza Shah's ruling, the cannon-firing of and its costs were initially undertaken by the general staff of the army; subsequently, from January 1932, the ministry of the interior became responsible for such costs. Gradually, this tradition became obsoleted and was not carried out from Ramadan in 1940. Then, in 1943, Azan was broadcast from the radio for the first time and replaced the tradition.

Keywords: Ramadan cannon-firing, Naser-i-din Shah, Ahmad Shah, Reza Shah, radio, dawn, Iftar

¹ Faculty Member of the Institute of Humanities and Cultural Studies,
elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir

مقدمه

تشخیص درست اول فجر برای امساك و اول شب برای افطار از مهم‌ترین وجوده برپایی روزه در میان مسلمانان است. در گذشته این کار با توجه به طلوع و غروب خورشید و موقعیت ستارگان در آسمان انجام می‌شد و نتیجه آن از راههای گوناگون از جمله اذان گفتن به آگاهی مردم می‌رسید. در گذر اعصار و با گسترش اسلام و افزایش مسلمانان، اشکال مختلفی توسط مسلمانان در اقصی نقاط ممالک اسلامی به کار گرفته می‌شد تا به وسیله آن روزه‌داران از زمان آغاز روزه‌داری و پایان آن خبردار شوند. شلیک توب که بر اثر طنین صدای آن مردم به رسیدن وقت سحر و افطار آگاه می‌شدند، یکی از بهترین روش‌هایی بود که در دوران معاصر توسط دولت‌های اسلامی و از جمله ایران مورد استفاده قرار گرفت. این رسم در ایران از زمان حکومت ناصرالدین شاه رواج یافت و با وجود صرف هزینه و لزوم تعلیم افراد ماهر در امر توب اندازی، به‌طور رسمی توسط حاکمان ولایات انجام می‌شد. با استقرار حکومت مشروطه، تغییراتی در شئون مختلف اداره کشور حاصل شد که از جمله آنها تشخیص هزینه شلیک توب رمضان بود که در زمرة وظایف وزارت داخله شمرده شد. اما با توجه به تشتت سیاسی و ناارامی وضعیت کشور در دوران سلطنت احمدشاه، تأمین اعتبار توب رمضان معصل بزرگی برای دولت گردید که وزارت‌خانه‌های داخله، مالیه و جنگ که هریک بهنوعی با این کار در ارتباط بودند، از پذیرش مخارج مربوطه استنکاف و مسئولیت را از دوش خود ساقط می‌کردند.

این مقاله در بی‌پاسخ دادن به این سوالات که اساساً شلیک توب رمضان چه معنایی داشته، از چه زمانی مرسوم گردیده و دلیل منسوخ شدن آن، چه بوده است؛ همچنین با توجه به خلاً مطالعاتی در خصوص پیشینه بررسی موضوع و قدان منابع یا مأخذی که در این خصوص اطلاعاتی به‌دست داده باشند، لاجرم، تأکید مطالعاتی خود را بر داده‌های اسنادی گذارده است و با استفاده از اسناد آرشیو ملی ایران در بازه زمانی دوره سلطنت ناصرالدین شاه تا پایان حکومت رضاشاه، در صدد است ضمن واکاوی فعالیتی تحت عنوان شلیک توب رمضان در ایام مذکور، به روند تحولاتی که به منسوخ شدن این رسم منجر شد پیردادز. بدیهی است در این رهگذر، آسیب‌ها، مشکلات و وقایعی نیز رخ داده‌اند که در بررسی کنونی مورد توجه نگارنده خواهد بود.

مروری بر مناسک روزه در ماه رمضان

روزه اسلامی، امساک مخصوصی است از خوردن خوراک و انجام دادن بعضی کارها که تفصیل آنها در کتاب‌های فقهی آمده است. این خودداری از خوراک و نوشیدنی و بعضی کارهای دیگر از طلوع فجر شروع می‌شود و با فرا رسیدن شب به پایان می‌رسد که حکم آن در بخشی از آیه ۱۸۷ سوره بقره آمده است:

﴿كُلُوا وَاشْرُبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخِيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخِيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ﴾.

(بحورید و بیاشامید تا رشتہ سپید با مدد از رشتہ سیاه [شب] بر شما نمودار شود، سپس روزه را تا [فرا رسیدن] شب به اتمام رسانید).^۱

صرف نظر از مفهوم رشتہ سفید و رشتہ سیاه که شرح و تفصیل آنها در کتب تفسیر و فقهی آمده است، بر سر تشخیص درست «فجر» و «لیل» از همان صدر اسلام اختلاف‌های نمایان شد که این اختلاف هنوز برقرار است و دست کم می‌توان آن را به گونه بارزی در میان شیعه و سنی مشاهده کرد. شرح نکات تفسیری و فقهی «رشته سپید و سیاه و فجر و لیل» از موضوع و صلاحیت این نوشتار بیرون است و برای آشنایی با آنها باید به کتاب‌های مربوط به این موضوع مراجعه کرد. با وجود این اختلاف و چگونگی تشخیص «فجر و لیل»، همواره داده‌هایی برای آگاه کردن مردم از سحر و افطار ماه رمضان وجود داشت که عموم مسلمانان با انتکاء به همان روش‌های همگانی از جمله اعتماد به قول علماء که بازتاب آن به صورت پخش اذان از مساجد هر کوی و بزرگ جلوه‌گر می‌شد، روزه می‌گرفتند و ماه رمضان را به پایان می‌رسانند. فتوای علماء نیز البته بر تجارب شخصی و آشنایی با موقعیت ستارگان در آسمان در فصل‌های مختلف سال متکی بود و آشنایی کامل با چگونگی حرکت ماه و جایگاه آن در آسمان و مهم‌تر از آن طلوع و غروب خورشید و یا استفاده از راههای دیگر از جمله بهره‌گیری از ابزار و آلات علمی را شامل می‌شد.

درباره آیت الله میرزا محمدحسین نائینی، عالم برجسته مشروطه‌خواه و نویسنده کتاب تنبیه الامه و تنزیه الملئه نوشتۀ‌اند: با نگاه به آسمان، ساعت دقیق شروع تهجد خود و پس از آن هنگام اذان صبح را در می‌یافت و بر اساس مشاهده شخصی خود، مشغول تهجد و نماز می‌شد.

^۱ عباس ریاضی کرمانی (۱۳۵۲)، «ساعت‌توب سحر و توب افطار»، مجله گوهر، ش. ۸، ص. ۷۵۲.

بسیاری از افراد نیز که زندگی طبیعی داشتند و ساعت فیزیولوژیکی بدن آنها مانند شهرنشینان مختلف نشده بود، به طور طبیعی اوقات طلوع و غروب خورشید را در سراسر سال می‌دانستند و با انکاء به آن عبادات دینی خود را در هنگام خود انجام می‌دادند. استفاده از ابزار علمی برای این منظور، داستان شیرینی دارد که با گرویدن اقوام و ملل مختلف به اسلام آغاز شد و در دوران طلایی تمدن اسلامی به اوج خود رسید.

کمال الدین عبدالرزاق معروف به ابن الفوطی در بیان حوادث سال ۶۳۳ عق. نوشه است: «در آن سال، بنای ایوانی که در مقابل مدرسه مستنصریه^۱ ساخته شده بود، کامل شد ... در دیوار این صفة دایره‌ای بود که صورت فلک در آن ترسیم شده بود و نیز طاق‌هایی ظریف که درهای ظریفی داشتند. در دایره دو باز زرین در دو طاس زرین بود و پشت سر آنها دو مهره که دیده نمی‌شدند و هر ساعت که می‌گذشت دهان بازها گشوده می‌شد و مهره‌ها از دهانشان می‌افتداد و هر بار که مهره‌ای می‌افتداد، در یکی از طاق‌ها باز می‌شد. درها که به رنگ زر بود به رنگ سیم درمی‌آمدند و چون در مهره درون طاس‌ها می‌افتدادند، درها به جای خود باز می‌گشتند. سپس قمرهایی از زر در آسمان لا جوردی این فلک با طلوع خورشید حقيقی، طلوع می‌کردند و همراه با دوران آن می‌گردیدند و با غایب شدن آن غایب می‌شدند. چون شب درمی‌رسید، در آن جا اقماری بود که طلوع می‌کردند ... سپس دایره دیگر آغاز می‌گردید تا شب به پایان رسد و خورشید طلوع کند و بدین گونه اوقات نمازها [و به تبع آن اوقات سحر و افطار یعنی هنگام نماز صبح و مغرب] دانسته می‌شد»^۲، و بر اساس آن مؤذنان اذان می‌گفتند و مردم را آگاه می‌کردند.

در ایران نیز به عنوان یکی از ممالک اسلامی، همین شیوه‌ها برای تعیین اوقات نماز و به‌ویژه هنگام سحر و افطار در ماه رمضان به کار گرفته می‌شد و حاصل آن از طریق اذان به آگاهی مردم می‌رسید. اما گفتن اذان شیوه مطمئنی برای آگاه کردن مردم از موقع دقیق و

^۱ مدرسه مُسْتَنْصَرِيَّة که به دستور مستنصری الله در سال ۶۳۱ ق. ساخته شد از قدیمی‌ترین مدرسه‌های دینی به جای مانده از دوران خلافت عباسی در شهر بغداد است که بعدها ضمیمه مدرسه نظامیه گردید. در این مدرسه علوم دینی مذاهب چهارگانه اهل سنت تدریس می‌شد. برای اطلاعات بیشتر نسک: فیلیپ خوری حتی (۱۳۸۰)، تاریخ

عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: آگاه و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۵۲۷.

^۲ عبدالرزاق بن احمد بن الفوطی (۱۳۸۱)، *الحوادث الجامعه* (رویدادهای قرن هفتم هجری)، ترجمه عبدالمحم德 آیتی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۵۱.

درست سحرها و افطار ماه رمضان نبود. زیرا در همه محلات شهرها و روستاهای اطراف شهرها مسجد نبود و در جاهایی هم که مسجد بود به دلیل نبودن بلندگو و دیگر وسائل تقویت صدا، بانگ اذان به گوش بسیاری از مردم نمی‌رسید و طنین آن از چند متر فراتر نمی‌رفت. از این رو مردم هر شهر و آبادی راههای دیگری برای آگاهی از اوقات شرعی ماه رمضان اندیشیده بودند.

اصرار فراوان برای تعیین دقیق وقت اذان صبح و مغرب در ماه رمضان بدین سبب بود که روزه گرفتن در ماه رمضان اهمیت فراوانی داشت و تقریباً همه افراد حتی کسانی که نماز نیز نمی‌خوانند، روزه می‌گرفتند. شادروان عبدالله مستوفی شرحی دلکش و خواندنی درباره مراسم ماه رمضان در تهران در کتاب معروف خود شرح زندگانی من آورده و درباره اهمیت روزه‌داری نوشته است:

«شب‌های ماه رمضان را به خصوص در تابستان مردم تا صبح بیدار می‌مانند و این کار در تمام طبقات مرسوم بود. بعضی مشغول عبادت و خواندن دعا و قرآن می‌شدند و برای درک شواب، هر شب تا صبح بیدار می‌مانندند. زمرة‌ای، شب‌ها بیدار می‌مانندند که صبح‌ها تا نزدیک ظهر بتوانند بخوابند و اثر روزه در آنها کمتر باشد. بالاخره دسته سومی هم بودند که شب را به قمار صبح می‌کردند و می‌گفتند، اگر به این سرگرمی مشغول نشوند، ناچارند بخوابند و روز دیگر خواب نمی‌روند و روزه برای آنها مشکل خواهد شد. این دسته بیشتر اعیان‌زاده‌ها بودند، ولی روزه را در هر حال می‌گرفتند و اگر اشخاصی بودند که می‌خواستند طفره بروند، چون حتی در خانه خود هم جایی نداشتند که روزه‌خوری کنند، ناچار بودند هم‌زنگ جماعت باشند».

مستوفی سپس ماجراهای را از قول احمد منصور نقل کرده که می‌گفت: «با برادرم موقر شی در مجلس قمار تا صبح مشغول بودیم، چون به سحری نرسیدیم، روزه را خورده به عمد به منزل آمدیم. خبر روزه‌خواری ما زودتر از خودمان به منزل رسیده بود، همین که وارد شدیم، مادرم از ما رو گرفت، چند روز با ما مثل جذامی‌ها رفشار می‌کردند. قدغن شده بود نوکر و خدمتکار دور وور ما نمی‌آمدند، غذا که برای ما می‌آوردن، در اتاق گذاشته فرار می‌کردند. ظرف‌های غذای ما را علی‌حده و مخصوصاً در حضور ما کنار حوض خاکمال می‌کردند تا بالاخره به وساطت برادرهای بزرگ‌تر ما را توبه رسمی دادند، آن وقت ما را به عضویت خانه پذیرفتد».^۱

^۱ عبدالله مستوفی (۱۳۷۱)، شرح زندگانی من، ج ۱، تهران: زوار، ص ۳۲۸.

این شب زنده داری‌ها گذشته از مزایای عبادی و غیر عبادی آن، خود عاملی بود برای بیدار کردن خفتگان به منظور خوردن سحری و شروع روزه داری. بدین قرار برخی از شب زنده داران در ماههای گرم سال به پشت بام می‌رفتند و با صدای بلند قرآن می‌خوانندند و دعا و مناجات می‌کردند و به این ترتیب همسایگان را برای سحری خوردن بیدار می‌کردند. اغلب نیز همسایه‌ها با هم قرار می‌گذاشتند که هر کس شب زنده داری می‌کرد و یا زودتر از دیگران بیدار می‌شد، با در زدن یا کوییدن به دیوار همسایگان، آن‌ها را بیدار کند. برخی افراد نیز برای ثواب اخروی از کوچه‌ها می‌گذشتند و با خواندن اشعار مذهبی خفتگان را بیدار می‌کردند.^۱

در مناطق کردنشین همچون سایر نقاط، برای رؤیت هلال ماه و حلول ماه رمضان، به پشت بام خانه‌ها می‌رفتند و به محض دیدن هلال ماه، سه یا چهار نفر با دهل و سرنا در مرکز شهر به نواختن نوای مخصوص فرار سیدن ماه رمضان می‌پرداختند. بعد از شلیک توب، آئینهایی چون پارشیو^۲ انجام می‌شد که هر روز موقع سحر در شهر برپا می‌گردید که برای آگاه کردن مردم از زمان سحر بود. بدین ترتیب که با رفتن به پشت بام و گفتن پارشیو، وقت سحری خوردن را خبر می‌دادند و با پایان یافتن ماه مبارک رمضان و با حلول ماه شوال سه گلوه توب شلیک می‌کردند.^۳

برخی از تهرانی‌هایی که دوران جوانی خود را در روزگار حکومت رضا شاه طی کرده بودند، برای دیگران تعریف کرده‌اند که در ماه رمضان و پیش از اذان صبح در پارهای از محلات، افرادی از این کوچه به آن کوچه می‌رفتند و با صدای بلند می‌خوانندند: «آب است و تریاک، قند است و چایی». این بیت در حقیقت هشداری بود به مردم که دیگر زمان امساك از خوردن و نوشیدن فرار سیده و معتادان به افیون نیز باید وسایل تریاک کشیدن را کنار بگذارند که موقع روزه و خودداری است.

شنیک توب ماه رمضان

یکی از بهترین و دقیق‌ترین شیوه‌ها که شعاع زیادی از کشورهای اسلامی را دربر می‌گرفت، شلیک توب در هنگام سحر و افطار ماه رمضان بود. درباره مرسوم شدن این شیوه در بیشتر

۱ <https://rasekhon.net/forum/thread/48926/page1>.

۲ رسم بر طبل کوییدن هنگام رمضان که به زبان کردی پارشیو گفته می‌شود.

۳ برهان ایازی (۱۳۷۱)، آئینه سندج، سندج: نشر مؤلف، صص ۲۰۲-۱۹۸.

ممالک اسلامی از جمله شهرهای مختلف ایران، افسانه‌هایی گفته و در مقالات و کتاب‌ها نوشته‌اند.^۱ از میان این روایات آنچه به نظر می‌رسد معقول‌تر و پذیرفتنی‌تر باشد این است که می‌گویند محمد علی پاشا (۱۷۶۹-۱۸۴۹م)، والی مصر^۲ که در ۱۸۰۴م. نایب السلطنه مصر شد و در ۱۸۳۳م. عثمانی‌ها را از مصر بیرون کرد و خود بر اریکه قدرت نشست، برای آزمایش یک عراده توب که از آلمانی‌ها گرفته بود، روزی در ماه رمضان و مقارن غروب آفتاب فرمان داد که آن اسلحه جنگی را به کار اندازند و توپی شلیک کنند. همین کار کسانی را به این فکر انداخت برای آگاه کردن مردم از اوقات دقیق شرعی از شلیک توب استفاده کنند. بدین ترتیب این کار مفید به تدریج از مصر به دیگر ممالک اسلامی کشیده شد و به ایران نیز رسید و رفته رفته به صورت سنتی مرسوم و واجب درآمد.^۳

از این پس با طنین غرش توب در فضای شهر و آبادی، به هنگام غروب آفتاب، همگان متوجه می‌شدند که افطار است و می‌توانند با اطمینان کامل روزه خود را بگشایند و با شنیدن صدای توب در سحر درمی‌یافتنند که هنگام امساك است و باید از خوردن و آشامیدن دست بکشند و از انجام دادن کارهایی که روزه را باطل می‌کند، خودداری نمایند. شلیک توب کار ساده و کم خرجی نبود و توپچی‌ها باید از کسانی انتخاب می‌شدند که آموزش‌های لازم را دیده و با ساختمان و طرز کار آن آشنا بودند.

توب در حقیقت یکی از سلاح‌های جنگی است که کار آن از ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین توب‌ها تا پیچیده‌ترین و مخوف‌ترین آنها، پرتاب گلوله‌های بزرگ به مسافت‌های دور است. پیداست چنین اسلحه‌ای نمی‌تواند در اختیار مردم قرار گیرد و استفاده از آن در انحصار

۱ www.afghanistan.shafaqna.com.

۲ وی را بنیانگذار مصر نوین می‌دانند که در ۱۸۰۴م. نایب السلطنه مصر شد و در ۱۸۳۳م. عثمانی‌ها را از مصر بیرون کرد و خود بر اریکه قدرت نشست. در دوران حکومت وی، مصر روزه‌های پر فراز و نشیبی را پشت سر نهاد و اصلاحات اساسی در بخش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، ارتش، روابط خارجی و ... انجام شد. برای اطلاعات بیشتر نک: اکبر خدایی علی آبادی (۱۳۸۸) / اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مصر در دوره محمد علی پاشا خدیو مصر (۱۲۶۵-۱۲۲۰ق/ ۱۸۰۵-۱۸۴۸م)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

Warren Isham; George Duffield; Warren Parsons Isham; D Bethune Duffield; & Gilbert Hathaway (1858), *Travels in the two hemispheres, or, Gleanings of a European tour*, Doughty, Straw: Michigan University, pp. 70-80.

۳ <https://rasekhoon.net/forum/thread/48926/page1/>; <http://www.mehrnews.com/news/3676971>; www.asrenow.com.

نیروهای نظامی است و از این رو در همه جا، دولت‌ها مالک آن و دیگر اسلحه‌ها و ادوات جنگی هستند. در گذشته نیز که در شهرهای مختلف ایران برای آگاه کردن مردم از اوقات شرعی در ماه رمضان و اعیاد ملی و مذهبی از توب استفاده می‌شد، اجرای آن به عهده حکومت بود و چگونگی استفاده از آن تابع قواعد و مقررات مخصوص. به همین سبب همواره یکی از نهادهای دولتی مسئولیت طرح و اجرای شلیک توب در اوقات تعیین شده را به عهده داشت و پیوسته آن را به طور منظم و قانونمند به انجام می‌رساند. با پیروزی انقلاب مشروطه و صدور فرمان مشروطیت در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ ش، اجرای مراسم شلیک توب نیز همواره ادامه داشت و هیچگاه تعطیل نشد، اما تنشهای سیاسی و هرج و مرج حاصل از اوضاع جامعه بر اجرای آن اثر گذاشت که مهم‌ترین آن تأمین هزینه‌های آن در ایالات و ولایات بود که اسناد مورد استفاده در این نوشتار بیانگر گوشه‌ای از مشکلات و تنگناهای دولت در اجرای این مراسم بود.

آنچه در وهله اول برای اجرای اجرای مراسم شلیک توب اهمیت ویژه‌ای داشت، هزینه آن بود و اینکه این هزینه از کجا تأمین شود. در روزگار ناصرالدین شاه، همه مخارج این مراسم به عهده حاکم ولایات بود و هر حاکم موظف بود افزون بر پرداختن هزینه شلیک توب در ماه رمضان، مخارج این کار را در اعیاد اسلامی و مراسم روز تولد شاه فراهم کند. با وجود این همواره بعضی از حاکمان ولایات که اغلب آنها فرزندان و نوادگان فتحعلی‌شاه و دیگر شاهزادگان قاجاری بودند، وظیفه خود را انجام نمی‌دادند و پرداخت هزینه مراسم را به گردن عوامل و اجزای حکومت می‌انداختند. چنانکه در سال ۱۳۱۲ق. که همه خود را برای جشن‌های پنجم‌اهمین سال سلطنت ناصرالدین شاه آماده می‌کردند، متصرالملک حاکم بهیمان از پرداخت هیجده تومن هزینه شلیک توب در ماه رمضان همان سال سرباز زده و آن را به عهده میرزا موسی خان سرتیپ تلگرافخانه انداخته بود^۱ و چون از پرداختن پول طفره می‌رفت،^۲ میرزا موسی خان تلگراف شکایت‌آمیزی به تهران کرد و در آن نوشت: «این قبیل مخارج به عهده تلگرافچی که نیست، باید حکومت بدهد. مستدعاً است امر فرمایند قبول کند».^۳

۱ س. ا.م، اختصاری سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران است که جهت پرهیز از تطویل، در همه‌جا چنین ذکر می‌شود.

۲ سند شماره ۱۷۸۳۵/۳ - ۲۹۶، س. ا.م.

۳ سند شماره ۱۷۸۳۵/۲ - ۲۹۶، س. ا.م.

در پاسخ به دادخواهی میرزا موسی خان، عین‌الملک در تلگرافی به حاکم بهبهان بر این نکته تأکید کرد که: «مسلم است، این گونه مخارج با حاکم ولايت است [و] هم‌ساله معمول است وجه شلیک ماه رمضان را از حاکم ولايت دریافت می‌نمایند».^۱ با پیروزی انقلاب مشروطه و سر و سامان گرفتن وزارت‌خانه‌ها، پرداخت هزینه شلیک توب به عهده وزارت داخله گذاشته شد. با این همه به سبب نابسامانی‌هایی که در دوران سلطنت احمدشاه سراسر کشور را فرا گرفته بود و دولت‌های دوران مشروطه نیز ناتوان‌تر از آن بودند که اوضاع آشفته را به سامان رسانند، موضوع تهیه مخارج شلیک توب ماه رمضان معصلی شد که وزارت‌خانه‌های داخله، مالیه و جنگ در گیر آن شدند و هر کدام پرداخت هزینه آن را به گردن دیگری می‌انداخت. با نزدیک شدن رمضان ۱۳۳۴ق. و تأسیس «اداره قشونی» در قزوین، حکومت آن شهر که می‌پندشت در هر جا و به هر مناسبی گلوله‌ای شلیک شود، هزینه آن به عهده وزارت جنگ است، در ۳۱ جوزا [خرداد ۱۲۹۲ش.، در نامه‌ای به وزارت داخله توضیح داد: «چون سابقاً اداره قشونی در قزوین نبود، حکومت [حاکم] از بد و ورود الی اکنون در موقع جشن‌های دولتی و اعياد ملي و شهر [ماه] رمضان و غيره، يك صد و دو تومان و شش هزار [دينار = ۶ قران] مصارف شلیک را شخصاً متتحمل بوده فعلاً که اداره قشونی در قزوین تشکیل شده حکومت در این باب شرحی به آن اداره اشعار داشت» و درخواست کرد، وزارت داخله پادرمیانی کند و مبلغ خرج شده را از «پیشکار مالیه» وزارت مالیه دریافت کند و ترتیبی دهد که «اداره قشونی هم در آتیه مصارف شلیک توب را در موقع لازمه پردازد».^۲ پاسخ وزارت جنگ به حکومت قزوین و وزارت داخله این بود که: «اداره قشونی نمی‌تواند در این باب دخالتی نماید»،^۳ و مخارج شلیک توب در ماه رمضان به عهده وزارت داخله است (نامه شماره وزارت جنگ به وزارت داخله در ۴ سرطان [تیر ۱۲۹۵]/[۲۳ شعبان ۱۳۳۴ق]).^۴

با این همه وزارت داخله پرداخت هزینه‌های مربوط به ماه رمضان را نمی‌پذیرفت و در نامه شماره ۵۵۴۲/۱۲۸۶ که آن را در ۲۵ شعبان [۶ تیر ۱۲۹۵] برای وزارت مالیه

^۱ سند شماره ۱۷۸۲۵/۳، ۲۹۶-۱۷۸۲۵، س. ۱ م.

^۲ سند شماره ۴۰۱۹/۳۶، ۲۴۰-۴۰۱۹، س. ۱ م.

^۳ سند شماره ۴۰۱۹/۳۳، ۲۴۰-۴۰۱۹، س. ۱ م.

^۴ سند شماره ۴۰۱۹/۳۹، ۲۴۰-۴۰۱۹، س. ۱ م.

فرستاد، تأکید کرد که آن وزارتخانه، قدغن کند «پیشکار مالیه مصارف شلیک را به حکومت پردازد».^۱ این مخارج البته هزینه تهیه باروت را نیز دربر می‌گرفت و وزارت داخله نیز پرداخت این گونه هزینه‌ها را به عهده وزارت مالیه می‌گذاشت. چنانکه برای خرید باروت مورد نیاز حکومت استرآباد، در نامه‌ای به شماره ۱۲۹۲۰/۵۵۹۳ در ۲۶ شعبان ۱۳۳۴ق. به وزارت مالیه تصریح کرد که آن وزارتخانه باروت مورد نیاز را خریداری کند و در اختیار حکومت استرآباد بگذارد.^۲

آشفتگی اوضاع کشور در دوران فترت میان صدور فرمان مشروطیت در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ تا کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ش، بهخصوص در دوران سلطنت احمدشاه بر کار وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی نیز تأثیر آشکاری گذاشته بود که نمونه بارز آن، مشخص نبودن مسئول طرح و اجرای مراسم شلیک گلوله توب در ماه رمضان بود. با توجه به اسناد موجود به راستی معلوم نیست به انجام رسانیدن این کار مهم که اغلب مردم با آن درگیر بودند و می‌خواستند به طور دقیق بدانند، هنگام سحر و افطار ماه رمضان چه ساعتی است به عهده کدام وزارتخانه بود و اجرای آن در شرح وظایف کدام اداره و نهاد دولتی نوشته شده بود.

به نظر می‌رسد در آن اوضاع پریشان، با حلول هر ماه رمضان، حکومت هر شهر به هر نحوی که امکان داشت، مراسم شلیک توب را در سحرها و هنگام افطار برگزار می‌کرد و پس از آن تا حلول ماه رمضان بعدی برای دریافت پولی که خرج کرده بود با این اداره و آن وزارتخانه نامه‌نگاری می‌کرد. در تلگراف شماره ۷۹ حکومت گیلان به وزارت داخله در اول سرطان [۲۰/۱۲۹۵ شعبان ۱۳۳۴]، شمه‌ای از این آشفتگی دیده می‌شود. در این تلگراف تصریح شده که «قیمت باروت را همیشه اداره مالیه» می‌داد، اما برای پرداخت مخارج شلیک توب در سحرها و افطارهای ماه رمضان ۱۳۳۴، اداره مالیه گیلان به آگاهی حکومت آن ولایت رساند که باید وزارت مالیه اجازه این کار را صادر کند و از این رو لازم است وزارت داخله، رضایت و اجازه وزارت مالیه را برای این کار جلب کند. جالب آنکه در همین تلگراف آمده است که «مخارج شلیک توب پانزدهم شعبان - تولد امام زمان - را

۱ سند شماره ۴۰۱۹/۳۸، ۴۰۱۹-۲۴۰، س ۱م.

۲ سند شماره ۴۰۱۹/۴۰، ۴۰۱۹-۲۴۰، س ۱م.

صاحب منصب توپخانه داده» است که آن نیز باید پرداخت شود.^۱

مخارج مراسم شلیک توپ در همه ولایات و ایالات، مبلغ قابل توجهی بود و افزون بر مراسم ماه رمضان و اعیاد اسلامی و ملی و دولتی، تعمیرات ادواری عراوه‌های توپ و دیگر هزینه‌های جانبی را نیز دربر می‌گرفت. چنانکه در نامه حکومت بروجرد به وزارت داخله سخن از یک صد تومان برای تعمیر درست یک عراده توپ و چرخ و دیگر اجزای آن آمده است.^۲ در ۲۵ رمضان ۱۳۳۴ق. ۴۰ اسد [مرداد ۱۲۹۵ش.]، اداره جنوب وزارت داخله در نامه شماره ۱۶۵۸ خود به وزارت مالیه به آگاهی رساند: «سوانح مشروحه ایالت بروجرد و لرستان را به انضمام صورت مصارف شلیک عید مولود مسعود همایونی و تعمیرات توپ لفاماً ملاحظه و قدغن خواهید فرمود، در صورتی که این قبیل مخراج سابقاً از مالیه تأديه می‌شده است، حالا هم با نظریات وزارت جنگ قرار تأديه آن را بدھند». ^۳ در پیوست نامه شماره ۱۲۴۷ «خزانه‌داری کل ایران» به «مقام منیع وزارت جلیله مالیه» در ۱۲ برج اسد [مرداد ۱۲۹۵ش.]^۴ اطلاعات بسیار جالب و ریزتری درباره «تعیین صورت شلیک‌های توپ اعیاد و ماه رمضان» آمده است که عبارت‌اند از:

صورت شلیک توپ سنّه ماضیه ۱۳۳۴

۱۱	تیر	عید مولود حضرت امیر ^(۴) سیزدهم شهر ربیع ^۵
۱۱	تیر	عید مولود حضرت امام حسین ^(۶) سوم شعبان ^۶
۱۱	تیر	عید مولود حضرت قائم علیه السلام ۱۵ شعبان ^۷
۱۱	تیر	عید مولود و تاجگذاری اعلی حضرت همایونی [احمدشاه] ۲۷ شعبان ^۸
۶۲	تیر	شنیک شهر رمضان

۱ سند شماره ۴۰۱۹/۴۴-۲۴۰، س ۱ م.

۲ سند شماره ۴۰۱۹/۱۱-۲۴۰، س ۱ م.

۳ سند شماره ۴۰۱۹/۱۳-۲۴۰، س ۱ م.

۴ سند شماره ۴۰۱۹/۲۱-۲۴۰، س ۱ م.

۵ اصل سند: شهر شعبان.

۶ اصل سند: بیست و چهارم شعبان.

۷ اصل سند: ۲۵ شعبان.

۸ تاریخ تولد احمدشاه قاجار در منابع ۱۷ شعبان ۱۳۱۴ قمری برابر با ۲ بهمن ۱۲۷۵ شمسی ذکر شده است. تاریخ ۲۷ شعبان مندرج در سند کوتني معادل روز تاجگذاری احمدشاه بوده است.

عید فطر
عید غدیر و اضحی^۱
تولد حضرت رسول^(ص)

به این ترتیب در سال ۱۳۳۴ق. گویا در هر ایالت و ولایتی ۱۵۰ تیر توب شلیک شد که بنا بر همان فهرست قیمت هر تیر توب، «شش قران» بود که در مجموع هزینه آن برای هر ولایت ۹۰۰ ریال تمام می‌شد که باید پرداخت می‌گردید. جالب آنکه در نوشتن این فهرست آنقدر بی‌دقیقی و بی‌مسئولیتی به کار رفته بود که تاریخ تولد امام علی^(ع) و امام حسین^(ع) و حضرت قائم^(ع) نادرست ثبت شده بود که گویا بر اثر تذکری که مسئولان وزارت مالیه به تهیه کنندگان این فهرست داده بودند، نویسنده‌گان آن به جای اصلاح نادرستی‌ها، فهرست دیگری تهیه کردند که تاریخ‌های مورد نظر به کلی حذف شد. اما این فهرست که در آن عید فطر از عید اضحی جدا و عید نوروز نیز به آن اضافه شد، چنین است:

صورت شلیک توب هده السنة [۱۳۳۴ق]

۱۱ تیر	عید نوروز
۱۱ تیر	عید مولود حضرت امیر ^(ع)
۱۱ تیر	عید مولود حضرت سید الشهداء
۱۱ تیر	عید مولود حضرت قائم عجل الله فرجه
۱۱ تیر	عید مولود و تاجگذاری اعلیٰ حضرت همایونی
۶۲ تیر	ایام شهر رمضان
۱۱ تیر	عید فطر
۱۱ تیر	عید اضحی
۱۱ تیر	عید غدیر
۱۱ تیر	تولد حضرت رسول ^(ص)

جمع ۱۶۱ تیر از قرار تیری شش قران^۲

۱ عید قربان

۲ سند شماره ۴۰۱۹/۲۰، ۲۴۰-۴۰۱۹، س. ۱ م.

به نظر می‌رسد با توجه به نادرستی‌های فهرست اول، عنوان آنکه «صورت شلیک توب سنه ماضیه ۱۳۳۴» بود نیز نادرست است و به جای «هذه السنة» نوشته شده بود و عید نوروز نیز از قلم افناه و به خاطر بی‌دقیقی عید فطر و عید اضحی نیز با هم نوشته شده بود. به هر حال آنچه مهم است این نکته است که خزانه‌داری کل، مقدار شش قران برای هر تیر توب را پذیرفت، اما به تعداد تیرهای شلیک شده ایراد گرفت و درباره آن نوشت: «قبلًاً دستوری در این خصوص نداشته که تفتیش نماید؛ از این رو «فقط شلیک توب‌های ماه مبارک رمضان را تصدیق» نمود.^۱

با وجود این در نتیجه این پژوهش نیز معلوم نشد چرا در عید نوروز و اعیاد اسلامی به جای مثلاً شلیک یک گلوله توب، در هر یک از روزهای مزبور ۱۱ گلوله شلیک شد. تنها فرضیه‌ای که شاید اثبات آن نیز ممکن نباشد اشاره به ۱۱ امام شیعی در گذشته است که به شکل نمادین شلیک می‌شده‌اند و تیر دوازدهم به امام زمان^(۲) تعلق دارد که چون هنوز ظهور نکرده، بالطبع شلیک نمی‌شده است.

طبق اطلاعات مأْخوذَه، خزانه‌داری کل پرداخت تیرهای شلیک شده را پذیرفت و فقط تیرهای شلیک شده در روزهای ماه رمضان را تصدیق کرد که می‌تواند نشانی از فساد اداری در دوران مشروطه باشد که مراسم شلیک توب را به مجرایی برای «مدآخل» تبدیل کرده بود. هرچند درستی و نادرستی این مبحث نامعلوم است و دلیلی بر تأیید یا نفی آن در دست نیست. قیمت گلوله توب در همه‌جا یکسان نبود و این خود باعث برخورد مشکلاتی دیگر می‌شد. در ۱۹ اسد [مرداد] ۱۲۹۵ ش. / ۱۰ شوال ۱۳۳۴، حکومت گیلان تلگرافی با شماره ۴۳۲ برای وزارت مالیه فرستاد و در آن تصریح کرد: «صرف شلیک ماه رمضان از بابت وقت افطار و سحر و روز عید فطر که شصت و یک تیر و از قرار تیری نه هزار و پانصد دینار [نه] قران و نیم [له]، [با] مخارج کیسه و باروت شده» این مبلغ را که در مجموع «پنجاه و هفت تومنان و نه هزار و پانصد دینار» می‌شد، حکومت گیلان پرداخته بود و از این رو از وزارت مالیه درخواست کرده بود: «نظر به ترقی قیمت کلیه اجناس، سایر اعیاد هم که هر دفعه

۱ سند شماره ۴۰۱۹/۲۱، ۲۴۰-۴۰۱۹، س. ۱ م.

۲ در دوران قاجار، هر دینار معادل ۱/۱۰۰۰ قران بود. (نک: حسن عمید (۱۳۵۹)، فرهنگ عمید، ج. ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۱۵۹۷).

بایستی بیست و یک تیر شلیک شود، عجالتاً همان مأخذ فوق تخمین و برآورد شده ... برای مخارج شلیک علی الحساب در سال دویست و پنجاه تومان به اداره اعتبار مرحمت فرمایند.^۱ در پاسخ به این تلگراف و نیز گزارش اداره مالیه آذربایجان درباره هزینه شلیک گلوله که اصل آن به شماره ۱۱۶۰۰ پیش از فرستاده شدن برای وزارت مالیه به وزارت جنگ فرستاده و از آن وزارتخانه درخواست شده بود همه مخارج مراسم شلیک توب در ماه رمضان و اعیاد اسلامی و ملی را پردازد، وزارت جنگ در نامه شماره ۱۷۲۷۱-۲۲۵۳ به وزارت مالیه در ۱۸ برج اسد [۱۲۹۵ش.] ۹ شوال ۱۳۳۴ق. از خود سلب مسئولیت کرد و تصریح نمود: «مصارف شلیک اعیاد و ماه رمضان جزو بودجه وزارت جلیله داخله است و می بایست از آن وزارتخانه در این خصوص به حکام تعییمات داده شده باشد و به وزارت جنگ مربوط نیست».^۲

Shelleyک گلوله توب در سحرهای ماه رمضان و هنگام افطار فقط برای آگاه کردن مردم بود و به هیچ رو فعالیت نظامی به شمار نمی رفت، چنانکه استفاده از توب و شلیک توب در اعیاد اسلامی و ملی و روز تولد شاه فقط برای ابراز شادمانی بود و هدف دیگری در کار نبود. به همین سبب وزارت جنگ به درستی از خود سلب مسئولیت می کرد و زیر بار پرداخت هزینه های شلیک توب نمی رفت و آن را بنا بر حکم قانون به عهده وزارت داخله می گذاشت. با وجود این وزارت داخله نیز از انجام دادن وظیفه قانونی خود شانه خالی می کرد و آن را به گردن وزارت مالیه می گذاشت. در ۵ رمضان [۱۲۳۴ق.] سلطان [تیر ۱۲۹۵ش.]، وزارت داخله در نامه ای به شماره ۱۳۵۴/۵۹۲۱ به وزارت مالیه پرداخت «مصارف شلیک توب ماه رمضان» را از آن وزارتخانه درخواست و توصیه کرد: «قدغن فرمائید حواله پرداخت» مصارف شلیک توب ماه رمضان در استرآباد را خیلی زود و بدون فوت وقت پرداخت کند و نتیجه آن را نیز برای وزارت داخله بفرستد.^۳

به نظر می رسد علت اصلی اینکه سه وزارتخانه مالیه، داخله و جنگ از پرداخت مخارج شلیک گلوله در ماه رمضان و اعیاد ملی و مذهبی طفره می رفتد، نبودن ردیف مشخصی در این

^۱ سند شماره ۴۰۱۹/۱۵-۲۴۰، س ۱ م.

^۲ سندهای شماره ۴۰۱۹/۱۶-۲۴۰-۴۰۱۹/۲۳؛ ۲۴۰-۴۰۱۹/۲۳-۲۴۰، س ۱ م.

^۳ سندهای شماره ۴۰۱۹/۲۱-۲۴۰-۴۰۱۹/۳۱؛ ۲۴۰-۴۰۱۹/۳۱، س ۱ م.

باره در بودجه سالیانه دولت‌های مشروطه بود. با اینکه شلیک گلوه در ماه رمضان از اهمیت زیادی برخوردار بود و دقیقاً مانند پخش اذان از صدا و سیمای جمهوری اسلامی بوده است و همان‌طور که در روز گار ناصرالدین شاه، حاکمان ولایات ملزم به پرداخت هزینه‌های آن بودند، پس از مشروطه نیز این کار وظیفه دولت بود و هر دولتی باید بودجه مشخصی برای آن در نظر می‌گرفت و پرداخت آن را به یکی از وزارت‌خانه‌های داخله یا مالیه و آگذار می‌کرد.

در حاشیه نامه شماره ۹۵۲۲/۱۳۵۳ وزارت داخله به وزارت مالیه در نوشته‌ای بدون امضاء و خطاب به دایره مخارجات آمده است: «این مخارج اگر بالصراحه در بودجه پیش‌بینی نشده باشد، باید از محل اعتبار صدی ۳ وزارت داخله پرداخته شود».^۱

به این ترتیب بنا بر نظر کارشناسانه وزارت مالیه، پرداخت تمام هزینه‌های شلیک توب در ماه‌های رمضان و اعیاد ملی و مذهبی به عهده وزارت داخله بود مگر در بودجه سالیانه دولت، ردیفی مشخص برای این مراسم در نظر گرفته و نوشته شود. نظر کارشناسانه وزارت مالیه، البته به محاصره رفت و کسی به آن توجه نکرد. از این رو با پایان یافتن ماه رمضان ۱۳۳۴ق. نامه‌نگاری میان حکومت ولایات مختلف با وزارت داخله در تهران آغاز شد تا پول‌های خرج شده در ماه رمضان به نحوی دریافت شوند. در نامه شماره ۱۸۵۸۰/۸۱۴۴ وزارت مالیه به وزارت داخله در اول ذی حجه ۱۳۳۴ق. ۷/ میزان [مهر] ۱۲۹۵ش. «راجح به مصارف شلیک ماه رمضان و اعیاد» آمده است: «در این موضوع متواالیاً چه از آن وزارت جلیلیه و چه از مالیه ولایات کتاب و تلگراف تقاضای پرداخت آن را می‌نمایند ... مستدعی است، هرچه زودتر تصمیم اولیای آن وزارت جلیله را اشعار فرمایند. تا دستور لازم به مالیه ولایات داده شود».^۲

در پاسخ به این نامه مانند دیگر نامه‌ها و تلگراف‌ها، وزارت داخله پولی پرداخت نکرد و آن را به عهده حکومت ولایات نهاد و نوشت: «نظر به جزئی بودن مخارج مزبور، خوب است حکومت از خود تأديه نموده و عجالتاً تحمل این قلیل مخارج را به دولت ننمایند».^۳ با انقراض قاجاریه و روی کار آمدن رضاشاه و سروسامان گرفتن امور و منظم شدن کار

۱ سند شماره ۴۰۱۹/۳۱، ۲۴۰-۴۰۱۹، س ۱ م.

۲ سند شماره ۴۰۱۹/۹، ۲۴۰-۴۰۱۹، س ۱ م.

۳ سند شماره ۴۰۱۹/۸، ۲۴۰-۴۰۱۹، س ۱ م.

وزارتتخانه‌ها، بنا بر تلگراف نمره ۶۶ وزارت داخله به حکومت بنادر، در ۲۱ بهمن ۱۳۰۷ ش. وزارت جنگ به اداره قشونی شهرها دستوری داد که مراسم شلیک توب را در سحرها و هنگام افطار اجرا کنند.^۱ در حالی که هزینه اجرای این مراسم با توجه به مفاد نامه تیپ مختلط مستقل فارس به اداره ایالتی فارس در ۱۴ دی ۱۳۱۰ ش. به عهده ارکان حرب کل قشون بود که از دی ۱۳۱۰ ش. به فرمان رضاشاه به عهده وزارت داخله گذاشته شد. در نامه شماره ۱۰۱۶۳^۲ و نامه شماره ۱۹۵۳۶^۳ در پی همین تغییر با توجه به نامه شماره ۸۳۳۶ نظمیه فارس به «مقام منیع ایالت جلیله فارس» در ۱۸ دی ۱۳۱۰ ش. اجرای مراسم شلیک توب در ماههای رمضان به عهده وزارت داخله گذاشته شد.^۴

افزون بر پرداخت هزینه مراسم ماه رمضان، کارهای دیگری در همان دی ۱۳۱۰ ش. به انجام رسید که مهم‌ترین آن، حفظ جان مردم در هنگام شلیک توب بود. در نامه شماره ۸۳۳۶ تشكیلات کل نظمیه مملکتی وزارت داخله به ایالت فارس در ۱۸ دی ۱۳۱۰ ش. آمده است: «شلیک توب در ماه رمضان باید در مکانی باشد که صدای آن به شهر رسیده و ضمانت موجبات خطر برای عابرين فراهم نشود». جالب آنکه چون مراسم شلیک توب در ماه رمضان از جمله شعائر مذهبی به شمار می‌رفت، قاضی عسگرهای مستقر در قشون هر شهر مسئولیت این کار را به عهده داشتند. چنانکه «آقا شیخ محمد جواد دیانی قاضی عسگر قشون» تیپ مستقل فارس «متصدی این عمل» بود و همه‌ساله بر آن نظرات می‌کرد.^۵

پیشتر اشاره شد که پرداخت هزینه مراسم ماه رمضان به عهده وزارت داخله گذاشته شد و وزارت داخله نیز به درستی این مخارج را از بودجه بلدیه هر شهر تأمین می‌کرد. بدین ترتیب مراسم شلیک توب قانونمندتر و منظم‌تر شد (متحده المآل وزارت داخله نمره ۲۱۵۴، مورخ ۲۴ دی ۱۳۱۰^۶؛ سواد مراسله تیپ مستقل فارس به بلدیه شیراز در ۲۱ آذر ۱۳۱۱).

با این همه بر اثر گذشت زمان و دگرگون شدن اوضاع اجتماعی در دوران حکومت

^۱ سند شماره ۱۹۵/۶، ۳۵۵-۱، س. ۱ م.

^۲ سند شماره ۷۱۷۲/۸ - ۷۱۷۲/۱، ۳۵۰، س. ۱ م.

^۳ سند شماره ۷۱۷۲/۹ - ۷۱۷۲/۱، ۳۵۰، س. ۱ م.

^۴ سند شماره ۷۱۷۲/۷ - ۷۱۷۲/۶، ۳۵۰، س. ۱ م.

^۵ سند شماره ۷۱۷۲/۷ - ۷۱۷۲/۶، ۳۵۰، س. ۱ م.

^۶ سند شماره ۷۱۷۲/۶ - ۷۱۷۲/۷، ۳۵۰.

رضاشاه، از متحدالمال وزارت داخله بر می‌آید که شلیک توپ در ماه رمضان به تدریج در تعدادی از شهرها کنار گذشته شد و از شیوه‌های دیگری برای آگاه کردن مردم استفاده می‌شد. متن متحدالمال وزارت داخله با امضای علی منصور وزیر داخله چنین است: «قدغن فرمائید مخارج شلیک توپ را در ماه رمضان هرگاه در آنجا معمول است، از بودجه بلدیه محل در وجه اداره قشوئی که متصدی این عمل است پیردازنده». با وجود این، با توجه به استناد موجود، مراسم شلیک توپ در ماه رمضان کم‌ویش ادامه داشت و بودجه آن که در رمضان ۱۳۵۳ق./دی و بهمن ۱۳۱۴ش. برای شلیک هر تیر به ۲۱ ریال و ۷۵ دینار رسیده بود، (نامه بلدیه اصفهان به وزارت داخله در ۳ شهریور ۱۳۱۵ و شماره ۳۴۳۰) از بودجه بلدیه یا «اعتبار غیرمتربقه» آن پرداخت می‌شد. (نامه شماره ۵۴۲۲ رئیس بلدیه شیراز به ایالت فارس در ۹ بهمن ۱۳۱۱).^۱

مراسم شلیک توپ در اوقات شرعی ماه مبارک رمضان تا سال ۱۳۱۹ش. که به طور کلی منسخ شد، کم‌ویش در پاره‌ای از شهرها ادامه یافت. پس از شهریور ۱۳۲۰ش. برای نخستین بار اذان شیخ کریم مؤذن پدر شادروان مؤذن‌زاده اردبیلی در سال ۱۳۲۲ش. از رادیو ایران پخش شد و از آن پس پخش اذان از همه ایستگاه‌های رادیویی مرسوم شد و مراسم سحر و خواندن دعای مخصوص سحر و دیگر اذکار به صورت زنده با اجرای مداحان و روشهای خوانانی که اولین آنها شیخ کریم مؤذن و آخرینشان سید جواد ذیحی بود، به انجام رسید.

نتیجه‌گیری

برای آگاه کردن مسلمانان از آغاز و انجام روزه روزه‌های ماه رمضان از همان سده اول هجری که اسلام رفته رفته گسترش یافت و شمار مسلمانان روزافزون گشت، راههای گوناگونی در شهرها و بلاد اسلامی به کار گرفته شد که یکی از مؤثرترین آنها در دوران معاصر شلیک گلوله توپ به هنگام سحر و افطار در ماه رمضان بود. این شیوه کارآمد در ایران از زمان ناصرالدین شاه معمول شد. اما به سبب ناکارآمدی دولت و دستگاه حکومتی، حاکمان ولایات و ایالات همواره

۱ سند شماره ۷۱۷۲/۶ - ۳۵۰، س. ۱ م. ا.

۲ سند شماره ۸/۱۸۶۸ - ۲۹۱، س. ۱ م. ا.

۳ سند شماره ۷۱۷۲/۴ - ۳۵۰، س. ۱ م. ا.

بر سر تأمین هزینه اجرای این کار مردمی که سود آن به همگان می‌رسید، مناقشه بود و با آمدن رمضان هر سال این مجادله شدت می‌گرفت. با این حال با هر ترتیبی بود به صورت مقطعی فیصله می‌یافت تا سال بعد که دوباره سر بر می‌آورد. با روی کار آمدن رضاشاه، به رغم ممنوع شدن پارهای از مناسک مذهبی از جمله روضه‌خوانی و عزاداری در ماه محرم، مراسم شلیک توب در ماه رمضان نه تنها ادامه یافت، بلکه قانونمندتر و سالماندهی شد. با این همه به سبب هزینه این کار و نیز کمرنگ‌تر شدن مناسک دینی در حکومت غیردینی رضاشاه، در سال ۱۳۱۹ش. دولت خود را از انجام دادن این مراسم کنار کشید و اعلام وقت روزه‌داری را به مؤمنان سپرد که به شیوهٔ سنتی خود آن را به انجام برسانند. این روند باقی بود تا در سال ۱۳۲۲ که برای نخستین بار صدای مناجات و اذان از رادیو طین‌انداز شد و به مرور در منازل و مساجد از این طریق، اوقات شرعی به اطلاع مردم می‌رسید.

منابع و مأخذ

- ابن الفوطی، عبدالرزاق بن احمد (۱۳۸۱)، *الحوادث الجامعه* (روایادهای قرن هفتم هجری)، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ایازی، برهان (۱۳۷۱)، آئینه سنتدج، سنتدج: نشر مؤلف.
- خدایی علی‌آبادی، اکبر (۱۳۸۸)، *اوپاصاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مصر در دوره محمد علی پاشا خاچبیو مصر (۱۲۶۵-۱۲۲۰ق./۱۱۰۵-۱۱۴۱م)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- حتی، فیلیپ خوری (۱۳۸۰)، *تاریخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: آگاه و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- سند شماره ۱۷۸۳۵/۳ - ۲۹۶، س ۱م.
- سند شماره ۱۷۸۳۵/۲ - ۲۹۶، س ۱م.
- سند شماره ۴۰۱۹/۳۶ - ۲۴۰، س ۱م.
- سند شماره ۴۰۱۹/۳۹ - ۲۴۰، س ۱م.
- سند شماره ۴۰۱۹/۳۸ - ۲۴۰، س ۱م.
- سند شماره ۴۰۱۹/۴۰ - ۲۴۰، س ۱م.
- سند شماره ۴۰۱۹/۴۴ - ۲۴۰، س ۱م.
- سند شماره ۴۰۱۹/۱۱ - ۲۴۰، س ۱م.
- سند شماره ۴۰۱۹/۱۳ - ۲۴۰، س ۱م.

- سند شماره ۴۰۱۹/۲۱، ۲۴۰-۴۰۱۹/۲۱، س ۱ م.
- سند شماره ۴۰۱۹/۱۱، ۲۴۰-۴۰۱۹/۱۱، س ۱ م.
- سند شماره ۴۰۱۹/۲۰، ۲۴۰-۴۰۱۹/۲۰، س ۱ م.
- سند شماره ۴۰۱۹/۲۱، ۲۴۰-۴۰۱۹/۲۱، س ۱ م.
- سند شماره ۴۰۱۹/۱۵، ۲۴۰-۴۰۱۹/۱۵، س ۱ م.
- سند شماره ۴۰۱۹/۱۶، ۲۴۰-۴۰۱۹/۱۶، س ۱ م.
- سند شماره ۴۰۱۹/۲۳، ۲۴۰-۴۰۱۹/۲۳، س ۱ م.
- سند شماره ۴۰۱۹/۲۸، ۲۴۰-۴۰۱۹/۲۸، س ۱ م.
- سند شماره ۴۰۱۹/۳۱، ۲۴۰-۴۰۱۹/۳۱، س ۱ م.
- سند شماره ۴۰۱۹/۳۱، ۲۴۰-۴۰۱۹/۳۱، س ۱ م.
- سند شماره ۴۰۱۹/۹، ۲۴۰-۴۰۱۹/۹، س ۱ م.
- سند شماره ۴۰۱۹/۸، ۲۴۰-۴۰۱۹/۸، س ۱ م.
- سند شماره ۱۹۵/۶، ۳۵۵-۱۹۵/۶، س ۱ م.
- سند شماره ۷۱۷۲/۸، ۳۵۰-۷۱۷۲/۸، س ۱ م.
- سند شماره ۷۱۷۲/۹، ۳۵۰-۷۱۷۲/۹، س ۱ م.
- سند شماره ۷۱۷۲/۷، ۳۵۰-۷۱۷۲/۷، س ۱ م.
- سند شماره ۷۱۷۲/۶، ۳۵۰-۷۱۷۲/۶، س ۱ م.
- سند شماره ۱۸۶۸/۸-۲۹۱، س ۱ م.
- سند شماره ۷۱۷۲/۴، ۳۵۰-۷۱۷۲/۴، س ۱ م.
- عمید، حسن (۱۳۵۹)، فرهنگ عمید، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱)، شرح زندگانی من، ج ۱، تهران: انتشارات زوار.

- Isham, Warren; Duffield, George; Isham, Warren Parsons; Duffield, D Bethune; & Hathaway, Gilbert (1858), *Travels in the two hemispheres, or, Gleanings of a European tour*, Doughty, Straw: Michigan University.
- www.afghanistan.shafaqna.com.
- www.mehrnews.com/news/3676971.
- rasekhoon.net/forum/thread/48926/page1/.
- www.asrenow.com.